



(Editorial)

“Reasonable Worship and the Refutation of Private Theology”

1. The issue of "proving the existence of God" and its implications is a significant topic discussed and debated in religious philosophy and theological systems. Both "revealed" and "natural" theological systems cannot solely assume the foundational proposition "God exists" to establish their theological system. The division of theological systems into "natural" and "revealed" is an epistemological classification, but it does not mean that revealed theology relies on the claim of God's existence as a matter of faith. Proving the existence of God based on transmitted revelation or narratives is only valid if the epistemological authority of revelation and transmission has been previously proven by reason. Revealed theology, like any other theological system, establishes the foundational proposition "God exists" through rational argumentation. This makes worship based on transmitted revelation in revealed theological systems a "reasonable worship." Relying on transmitted revelation and the words of the infallible in matters of belief, which fall within the scope of rational understanding and perception, amounts to appealing to the words of someone who is not only rational but also the chief of intellects. Therefore, the dispute between revealed and natural theology is not about proving God's existence. Both must justify their claims about the existence of God based on rational arguments (both epistemological and ethical), not something else. It is essential to note that we are talking about theological systems here. Theological systems consider their claims valid and transferable, subjecting them to various critical evaluations. Private theology (if using this term is appropriate) can be based on inner intuition or personal trust in transmission without further scrutiny. If such theology is acceptable, it is not subject to debate. However, attributing revelation to prophetic dreams essentially requires a kind of private theology that lacks epistemological authority for others. Likewise, reducing revealed theology to mere belief and surrendering to a direct encounter with the divine, the awe and grandeur of the divine, or any interpretation of this kind amounts to adopting private theology. Such theology cannot provide a foundational proposition for establishing a theological system for us. At best, it can be a subjective statement that holds meaning and validity only for the individual.

The Argument from Human Nature (Burhan-e-Fitrat), however interpreted, must have a middle ground to present a valid argument, and it must be based on the perception and understanding of reason. If a person's awe and existential concerns cannot be transformed into meaningful argumentation, it will lack logical value. I emphasize that we are discussing a logical matter here, not a non-transferable psychological issue.

The conclusion from the above is that if natural theology proves the existence of God, it is as divine (not religious) as revealed theology. The story of the incapability of reason to prove God's existence and know His essential and active attributes or the meaninglessness of the proposition "God exists" is a separate narrative that has no direct relevance to revealed theology. Followers of negative theology, agnostics, and adherents of positive investigation who deny the capability of reason to know God do not fit into the classification of revealed and natural theology. Bringing their feet into the specialized discussion and taxonomy is irrelevant.

2. Epistemological and theological systems are primarily concerned with the pitfalls of personalizing knowledge. They attempt to establish a certain starting point, but such a point cannot be found outside of the "self" or "ego." Failure to escape the confines of "self" and "private experiences" results in personalized epistemology and private theology. Those who uncritically embrace prophetic experiences or dreams must also break free from the trap of private theology. While such a path exists, finding and treading it is challenging, requiring overcoming formidable ontological and anthropological obstacles.
3. The conflict between revealed and natural theology arises with the involvement of God's relationship to the world. The crucial aspect is the divine legislative intervention in human society's governance.

Carelessness in this matter, like discussed in paragraph 1, only leads to erroneous distinctions. One should avoid presenting a specific reading of revealed theology against natural theology. Reducing revealed theology to a radical interpretation or subjecting it to positivist investigation, which denies reason's ability to recognize God, is not fundamentally related to revealed theology in general. Restrictive interpretations that focus solely on the letter of revelation lack rational value. Conversely, efforts to find a unified and coherent understanding of revealed and natural theology must consider the implications of their work. Some individuals (specifically referring here to a current known as "religious rationalism" or "religious modernism") with their extreme interpretations and surrendering tendencies pave the way for fanaticism or extremist rationalism.

4. The Journal of Philosophy of Religion warmly welcomes valuable articles from researchers and scholars specializing in religious epistemology and theological systems. We hope to offer a platform for scholars with differing opinions on these vital and undoubtedly challenging matters.

Editor-in-Chief



(سرمقاله)

تعبد معقول و نفی الهیات خصوصی

۱. موضوع «اثبات وجود خدا» و پیامدهای آن مهم‌ترین موضوعی است که فلسفه دین و نظام‌های الهیاتی درباره آن گفت‌وگو می‌کنند. نظام‌های الهیاتی، خواه «وحيانی» خواه «طبیعی»، نمی‌توانند گزاره پایه «خدا وجود دارد» را از پیش فرض بگیرند و بر پایه همین پیش فرض نظام الهیاتی خود را استوار کنند. تقسیم نظام‌های الهیاتی به «طبیعی» و «وحيانی» تقسیمی معرفت‌شناختی است. اما معنای این تقسیم این نیست که الهیات وحيانی مدعی خود را در باب وجود خدا بر نقل استوار می‌کند و تعبداً وجود خدا را می‌پذیرد. اثبات وجود خدا بر پایه وحی منقول یا روایات در صورتی موجه است که پیش‌تر حجیت معرفت‌شناختی وحی و نقل با عقل اثبات شده باشد. الهیات وحيانی، مانند هر نظام الهیاتی دیگری، گزاره پایه «خدا وجود دارد» را مبرهن می‌سازد. معنای این نکته این است که تعبد به وحی منقول در نظام الهیاتی وحيانی «تعبد معقول» است. استناد به وحی منقول و سخن معصوم در امور اعتقادی، که قلمرو درک و دریافت عقل است، از باب استناد به کلام کسی است که نه تنها عاقل بل رئیس‌العقلا است. بنابراین، نزاع الهیات وحيانی و الهیات طبیعی بر سر مسئله اثبات وجود خدا نیست. هر دو باید (به صورت معرفت‌شناختی، نه اخلاقی) مدعی خود را در باب وجود خدا بر پایه استدلال عقلی استوار کنند؛ نه چیزی دیگر. توجه به این نکته بسیار مهم است که ما درباره نظام‌های الهیاتی سخن می‌گوییم. نظام‌های الهیاتی مدعیات خود را مدلل و انتقال‌پذیر می‌دانند و تلاش می‌کنند آن‌ها را در معرض چندوچون رقیب بگذارند. الهیات خصوصی (اگر به کار بردن این تعبیر درست باشد) می‌تواند بر پایه شهود درونی یا اعتماد درونی شخص به نقل و بدون چندوچون استوار شود. چنین الهیاتی، اگر قابل فرض هم باشد، قابل بحث نیست. تحویل بردن وحی به رؤیای رسولانه، در حقیقت، مستلزم نوعی الهیات خصوصی است که حجیت معرفت‌شناختی برای دیگران ندارد. همچنین، فروکاستن الهیات وحيانی به ایمان و تحویل بردن به صرف دیدار الهی، حیرت و هیبت الهی، و هر تعبیری از این دست قایل شدن به الهیات خصوصی است. چنین الهیاتی نمی‌تواند گزاره‌ای پایه برای استوار کردن یک نظام الهیاتی به دست ما دهد. در بهترین حالت، چنین الهیاتی می‌تواند صرفاً گزارش امری خصوصی باشد که فقط برای خود شخص معنادار و معتبر است.

برهان فطرت، اما، به هر صورتی که تقریر شود، اگر بخواهد برهانی قابل عرضه باشد، باید حد وسط داشته باشد و بر درک و دریافت عقل استوار شود. حیرت شخص و دغدغه‌های وجودی‌اش اگر لباس زبان نپوشد، یعنی در دستگاه مفهوم‌سازی تبدیل به استدلال نشود، ارزش منطقی نخواهد داشت. تأکید می‌کنم که ما در اینجا از یک امر منطقی قابل بحث سخن می‌گوییم نه از یک امر روان‌شناختی غیر قابل انتقال.

نتیجه آنچه آمد این است که الهیات طبیعی اگر وجود خدا را اثبات کند به همان اندازه الهی (نه دینی) است که الهیات وحيانی الهی است. قصه ناتوانی عقل برای اثبات خداوند و شناخت صفات ذات و فعل او یا بی‌معنایی گزاره «خدا وجود دارد» از اساس قصه‌ای دیگر است که ربطی به الهیات وحيانی ندارد. پیروان الهیات سلبی، ندانم‌انگاران، و پیروان اصل تحقیق پوزیتیویستی که توانایی عقل را برای شناخت خداوند انکار می‌کنند اساساً در طبقه‌بندی الهیات وحيانی و طبیعی نمی‌گنجد. کشاندن پای اینان به بحث خروج تخصصی و مبنایی از بحث است.

۲. نظام‌های معرفت‌شناختی و الهیاتی میناگرا همواره در تیررس اشکال مهیب خصوصی شدن معرفت‌اند. این نظام‌ها تلاش می‌کنند نقطه عزیمت خود را امر یقینی قرار دهند. چنین نقطه‌ای را نمی‌توان بیرون از «من» یا «خود» یافت. اگر نتوان راهی به

رهایی از «من» و «تجربه‌های خصوصی» یافت، نتیجه‌ای جز نوعی معرفت‌شناسی خصوصی و الهیات خصوصی به دست نخواهد آمد. کسانی که وحی را، بدون توجه به اشکال مردافکن خصوصی شدن، به تجربه نبوی یا رؤیای رسولانه فرومی‌کاهند باید هم‌زمان بتوانند خود را از چنبره الهیات خصوصی رها سازند. به نظر می‌رسد راه وجود دارد؛ اما یافتن آن و پیمودن آن بسی دشوار است. چنین راهی از مسیر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی بسیار دشواری عبور خواهد کرد.

۳. نزاع الهیات و حیانی و طبیعی زمانی آغاز می‌شود که پای موضوع ارتباط خدا با جهان به میان آید. نکته اساسی در اینجا دخالت تشریحی خداوند در اداره جامعه انسانی است. بی‌دقتی در این بحث نیز مانند بحث بند ۱ نتیجه‌ای جز داوری‌های ناصواب ندارد. نباید قرائت واحدی از الهیات و حیانی به دست داد و آن را در برابر الهیات طبیعی نهاد. تحویل بردن الهیات و حیانی به نص‌گرایی افراطی در کار کردن مغالطه «اخذ یکی از اقسام به جای مقسم» است. از طرف دیگر، الهیات طبیعی را نباید به «اصالت تحقیق پوزیتیویستی» یا «اصالت عقل افراطی» تحویل برد. ظهور داعش و حکومت‌های افراطی نص‌گرا هرگز نتیجه الهیات و حیانی به معنای عام کلمه نیست. هر نوع قرائت از دین که خود را در ظاهر نص به شکل افراطی محدود کند نتیجه‌ای جز تعطیلی عقل نخواهد داشت. از طرف دیگر رویکردهایی که تلاش می‌کنند قرائتی یک‌دست و یکسان از الهیات و حیانی و طبیعی به دست دهند باید به لوازم و نتایج کار خود آگاه باشند. چنین کسانی (اشاره خاص در اینجا به جریانی است که خود را «روشنفکری دینی» یا چنان که اخیراً باب شده «نواندیشی دینی» می‌نامد) با تفسیرهای افراطی و تحویل‌گرایانه خود راه را برای ظهور نص‌گرایی یا عقل‌گرایی افراطی هموار می‌کنند.

۴. نشریه «فلسفه دین» از مقالات ارزشمند محققان و دانشمندان در قلمرو مسائل معرفت‌شناختی دین و نظام‌های الهیاتی استقبال می‌کند و امیدوار است بتواند صحنه تضارب آرای دانشمندان در زمینه این موضوعات مهم و البته دشوار باشد.

سردبیر